روزنامه شرق

ورزش

هربار فرهنگ‌مان از جایی جوانه زده‌است، بهرام دبیری — صفحه ۸

خارجی‌های بی‌رمق، جشنواره تئاتر فجر — صفحه ۹

سالن قدیمی، لباس چینی، مشکلات دختران شمشیرباز — صفحه ۱۰

عکس: مهدی حسنی، شرق

کوروش باقری سرمربی تیم ملی وزنه‌برداری در گفت‌وگو با «شرق»:

تا قهر نکنی در ایران امتیاز نمی‌گیری

پرافتخارترین مربی وزنه‌برداری ایران با نتیجه تاریخی که در المپیک لندن گرفت تصمیم گرفت باز هم کارش را با فدراسیون رضازاده ادامه دهد. او که بعد از المپیک از برخورد مسوولان ورزش گله‌مند بود و تا حدودی هم در رسانه‌ها به آنها تاخت، معتقد است به خاطر مردم چشمش را روی همه چیز بسته و می‌خواهد کارش را با نسل جوان و مدال‌آور وزنه‌برداری ایران ادامه دهد. با باقری هم‌صحبت شدیم تا بیشتر از درددل و روزهای سختی که طی سه سال گذشته پشت سر گذاشته مطلع شویم.

بعد از المپیک نسبت به یک سری مسایل اعتراض داشتید اما بعد سکوت کردید، علت این سکوت چه بود؟

نه، این‌طور نیست. من این موضوع را دو جای دیگر هم گفته بودم. در ایران یک بدعتی گذاشته شده کسانی که معترض‌اند معمولا امتیازهای بیشتری می‌گیرند و متاسفانه به کسانی که حرفی نمی‌زنند توجهی نمی‌کنند و به قولی می‌گویند این هست و دارد کارش را می‌کند. ما هم بعد از المپیک گفتیم با قدرت کارمان را ادامه می‌دهیم. ولی یک سری از دوستان گفتند کوروش باقری هست برویم سراغ کسان دیگری که معترض هستند. این باعث شد در یک مقطعی به دلایلی که دوست ندارم آن را باز کنم یک مقدار معترض بشوم. البته واقعیت را هم بگویم آن چیزهایی که می‌خواستیم تا حدودی برطرف شد و فعلا هم خدمت آقای رضازاده هستیم.

مشکلات در رابطه با اردوها بود؟

نه، من به این شکل به شرایط نگاه نمی‌کنم. حقیقتا با احترام به همه مربیان دیدم جور دیگری است. من می‌گویم هنر این است که شما در شرایط مختلف بتوانی کار کنی البته باید حداقل‌ها فراهم باشد. مگر واقعا کار خیلی خراب باشد که بخواهم راجع به امکانات مشکل داشته باشم.

البته شما قبل المپیک هم گفته بودید ممکن است نمانید، اما بعد المپیک به خاطر اینکه نسبت به بقیه پاداش کمتری گرفتید، معترض شدید؟

ببینید فقط بحث پاداش مالی نبود. با توجه به این فلسفه‌ای که در مسوولان ورزش ماست آن اعتراض قبل از المپیک می‌طلبید. وقتی مشکل‌داری باید بگویی. ما مجبور بودیم یک جاهایی تهدید کنیم، یک جاهایی بگوییم مدال نمی‌گیریم، تا مشکلاتی که داریم رفع بشود. که خدا را شکر نصفه و نیمه رفع شد و ما توانستیم برویم و بیشترین مدال‌های کاروان کشورمان را بگیریم. با این حال سیستم قشنگی نیست. ولی برای خودش یک جور سیستم است. در ایران برای رسیدن به امتیازهایی که دنبالش هستی یک جاهایی باید عصبانی شوی، صدایت را بالا ببری، اعتراض کنی قهر کنی که متاسفانه کار پسندیده‌ای نیست و در ورزش ما باب شده. این موضوع در همه رشته‌ها به وفور دیده می‌شود و تبدیل به یک سیستم شده است. یعنی کسی که حرف نمی‌زند بنا را براین می‌گذارند که از شرایط راضی است.

الان شرایط چطور است؟

خدا را شکر شرایط بدی نیست. من با توجه به اینکه می‌بینم خیلی از فدراسیون‌ها مشکل مالی دارند اما ما اردوهایمان را برگزار کردیم. حسین رضازاده هم تا این لحظه حمایت کرده و مشکل جدی نداشتیم.

پس اینکه می‌گویند رضازاده همیشه سعی می‌کند شما را راضی نگه دارد، درست است؟

حاج حسین خودش می‌داند. اگر من چیزی هم می‌خواهم برای این است که نتیجه بگیریم. ایرادی ندارد من لام تاکام صحبت نکنم و جلو هم برویم و همیشه هم بخندم. ولی آن انتظاری که از وزنه‌برداری می‌رود حاصل نمی‌شود.

اینکه می‌گویند وزارت ورزش به فدراسیون وزنه‌برداری به خاطر رضازاده توجه زیادی دارد را تایید می‌کنید؟

نه، قبول ندارم. شاید رضازاده خارج از گود وزارت ورزش دوست‌هایی داشته باشد و کمک‌هایی به فدراسیون بکند. اما شما ببینید یک فدراسیون کشتی و وزنه‌برداری است که توانسته بیشترین مدال‌ها را در المپیک بگیرد. به نظرم غیرمنصفانه است ردیف بودجه‌ای که برای این دو فدراسیون در مقایسه با فدراسیون‌های دیگر در نظر می‌گیرند تفاوت نداشته باشد. اما در کل من هم مثل شما انتظار دارم رضازاده با بقیه رییس فدراسیون‌ها فرق داشته باشد و بهتر امتیاز بگیرد که تا به این لحظه هم این کار را کرده. خود من هم دوستانی داشتم که در این مدت جلو آمدند و کمک کردند. امروز هم اگر شما در مورد اعضای هیات رییسه فدراسیون وزنه‌برداری تحقیق کنید، می‌بینید که همه آنها یک وزنه‌ای برای خودشان هستند. آقای دانشجو رییس دانشگاه آزاد و آقای ملکی، مدیرعامل باشگاه پیکان است. اینها کسانی هستند که آقای رضازاده آنها را الکی نیاورده است. تفاوت یک مدیر توانا و معمولی این می‌تواند باشد. آقای زرین‌گل، نایب‌رییس فدراسیون که یکی از مدیران گروه «شستا» هستند بیشتر اردوهای ما را برگزار کردند. ایشان هم خیلی به ما در این مدت کمک کردند. هیوا فتحی از دیگر کسانی است که دوست مشترک من و آقای رضازاده است. او هم اردو ومسابقه‌های زیادی برای ما برگزار کرده ضمن اینکه جایزه هم برای آن تعیین کرده است. تفاوت فدراسیون وزنه‌برداری با فدراسیون ایکس شاید این بود که ما خارج از سیستم وزارت ورزش یا شاید مساوی آن به وزنه‌برداری کمک کردیم.

الان شرایط تمرینات چطور است. بعضی از بچه‌ها بعد از المپیک هنوز مصدوم‌اند، این موضوع نگران‌تان نکرده؟

نه من بارها گفتم ناراحت این موضوع نیستم. ظاهرا دوستان دیگر بیشتر از من نگرانند. بهداد سلیمی یک تزریق در کتفش انجام داده که موثر بوده. بهداد جزو آن دسته از ورزشکارهایی است که هر اتفاقی برایش بیفتد حرفه‌ای با آن برخورد می‌کند. قرار است دو هفته فیزیوتراپی هم انجام بدهد و بعد از آن هم بیاییم تصمیم بگیریم که چطور کار را شروع کند. ولی من گفتم من یک بهداد سالم را خیلی بیشتر می‌خواهم تا اینکه هر طور شده بخواهم از او در مسابقات ۲۰۱۳ استفاده کنم. کیانوش رستمی زانویش مشکل دارد ولی با این حال روزها می‌آید بعضی جلسات تمرین می‌کند. سعید محمدپور هم از روزی که اردو شروع شد آمده و روی زانویش فیزیوتراپی هم انجام داده. خدا را شکر مشکلی ندارد و دارد تمرین می‌کند. به نظرم کیانوش جزو آن دسته از کسانی است که در مسابقات جهانی بزرگسال امسال می‌تواند شانس مدال داشته باشد. سجاد انوشیروانی که با توجه به سن و سالش اعتقاد دارم باید یک سال استراحت کند. ولی خب دنبال درمان است. سجاد ۲۸، ۲۹ سالش است. فکر می‌کنم در این یکی دو سال با تمرینات سنگینی که داشت خیلی زجر کشید. از نواب‌نصیر شلال خیلی خبر ندارم چه کار می‌کند. همین‌طور سهراب مرادی. فقط شنیدم گفته می‌خواهد پشت پایش را که کش آمده بیاید در تهران درمان کند. من واقعا از سهراب ناراحت شدم. او بعد از المپیک خیلی فرصت داشت. چرا الان باید به فکر بیفتد.

بعد از المپیک اردویی هم برای بزرگسال برگزار شده؟

نه اردویی نبوده، برای جوانان اردو داشتیم. اردوی بزرگسالان بعد از فینال لیگ اوایل اسفند شروع می‌شود.

در حال حاضر چه مسابقاتی را پیش‌رو دارید؟

رقابت‌های نوجوانان جهان در فروردین ماه سال آینده در ازبکستان حکم انتخابی المپیک نوجوانان را دارد. هدف ما اینجا گرفتن سهمیه است. بعد از آن اواخر اردیبهشت ماه، جوانان جهان را پیش‌رو داریم. دنبال این هستیم که جزو سه تیم برتر دنیا باشیم. همان‌طور که می‌دانید ما در سال ۲۰۱۱برای اولین بار در دنیا اول شدیم و از این نظر شاید حق وزنه‌برداری ما باشد که جزو سه تیم اول دنیا قرار بگیریم. در رده بزرگسالان مسابقات قهرمانی آسیا و همبستگی کشورهای اسلامی را داریم که اوایل و اواخر خردادماه برگزار می‌شود. قهرمانی جهان هم مهر ماه است.

با این مدال‌هایی که شما در المپیک گرفتید انتظار از وزنه‌برداری خیلی بالا رفته، برای آینده چه پیش‌بینی می‌کنید؟

ببینید من حقیقت را بگویم خیلی به این حرف‌ها گوش نمی‌دهم. بعضی از قدیمی‌ها، همدوره‌ای‌هایم می‌آیند یک چیزهایی را از سر حسادت می‌گویند. خدا خواسته تیم کوروش باقری موفق باشد. همه این عزیزان یک سال، دو سال، سه سال فرصت داشتند. مربی جوانان و بزرگسالان بودند و نتیجه‌اش را هم مردم دیدند و کار خاصی نکردند. بدون در نظر گرفتن بحث‌هایی که می‌شود به نظر من باید دنبال این باشیم که یک تیم پر مهره داشته باشیم که نتوانی هشت نفر را از درون آن بیرون بیاوری. من دنبال این هستم که چهره‌های جدید را در صحنه بیاورم.

استعداد جدید پیدا کردید؟

بله، طبیعی است. یک عده از نوجوانان می‌آیند جوانان و بعد هم بزرگسالان. این حرف مربوط به موقعی بود که امکانات وجود نداشت. هیات وزنه‌برداری در سراسر کشور وجود نداشت. الان شرایط فرق کرده. استعدادها در مسابقات لیگ و قهرمان کشوری خودشان را نشان می‌دهند. ما تا الان این کار را کردیم. فکر می‌کنم نتیجه کار کوروش باقری دو یا سه سال بعد از اینکه نباشد معلوم می‌شود.

حسین توکلی یکی از همدوره‌ای‌های شماست. شما نسل طلایی وزنه‌برداری ایران بودید چرا این‌قدر از شما انتقاد می‌کند؟

از خودش بپرسید. نظر ایشان اصلا برای من مهم نیست. خانواده وزنه‌برداری بهتر می‌توانند در این مورد نظر دهند. آقای توکلی سه سال سرمربی جوانان بود و کارنامه‌اش مشخص است. کارنامه کاری من هم معلوم است. با تیم جوانان برای اولین بار قهرمان دنیا شدم. با تیم بزرگسالان برای اولین بار سوم جهان شدم. سه سال پیاپی هیچ نمونه دوپینگی نداشتیم. یعنی عنوان‌هایی به دست آمده که زمان ایواف هم به دست نیامده. در المپیک برای اولین بار چهار مدال گرفتیم. خب طبیعی است گرفتن این نتایج قدری حسادت‌برانگیز باشد. ظرفیت همه آدم‌ها مثل هم نیست. من توقع ندارم یک عده ظرفیت داشته باشند. حسادت‌هایشان را نمی‌توانند کنترل کنند و به راحتی همه را زیر سوال می‌برند. اتفاقا من خیلی محکم‌تر از قبل می‌آیم و کارم را انجام می‌دهم.

علت این که سال ۲۰۰۷ سکوت کردید چه بود؟

بله، اتفاقا من از همکارهای شما گلایه دارم. سوال این است که چرا هیچ کدام به کوروش باقری زنگ نزدند و ببینند علت رفتن من چه بود. البته دوست ندارم این موضوع را باز کنم. چون بعضی از دوستان خبرنگارها را مجاب کرده بودند که سمت من نیایند. به هر حال اینها چیزهایی است که باعث می‌شود جاهایی که نیاز است آدم تلنگر بخورد و اگر نخورد به قهقرا برود. عیبی ندارد من اگر جایی نتیجه نگرفتم یا موردی بود بگویند. می‌گویند کوروش باقری مغرور است. این خصوصیات شخصی هر فردی است که به کار ربط ندارد. اگر دلشان برای وزنه‌برداری می‌سوزد بیایند انتقاد کنند نه اینکه فرافکنی کنند. می‌گویند این استعداد مربوط به سال‌های قبل بوده. سوال من این است جوانان چطور؛ آیا آنها هم مربوط به گذشته بودند. ماشین مایکل شوماخر را که چندین سال قهرمان جهان شده به شما می‌دهند آیا می‌توانید با آن اول شوید. باید رانندگی بلد باشی. اینجاست که می‌فهمی شوماخر هنر واقعی این کار را داشته. فرمان تیم ملی هم دست خیلی‌ها بوده. هنر این است که بتوانی هدایتش کنی. من اول از همه عامل موفقیت‌هایم را خواست خدا و نیت صادقانه‌ام می‌دانم. بعد یادگیری‌هایی که قبلا در تیم ملی به دست آوردم. من یادم هست آن زمان سه چهار نفر نورچشمی بودند و بقیه سیاهی لشکر. اما الان دیگر این طور نیست. آن جوان ۱۶ ساله که وارد تیم ملی می‌شود باید تغذیه مکمل و نظم اردویی را رعایت کند. همه مثل هم هستند. بهداد سلیمی نمی‌تواند بگوید چون من بهدادم دیرتر می‌خوابم. ولی آیا قبلا این صحبت‌ها بود؟ همه چیز برای سه، چهار نفر بود.

برای اثبات این حرفم دلیل دارم. چطور می‌شود که در یک تیم شش‌نفره که به المپیک می‌روند، هر شش نفر شانس مدال طلا دارند، نه مدال. در المپیک آتن رضازاده آمد مدال گرفت، یکی دهم شد و یکی اوت شد. این نشان می‌دهد که سیستم پشت کار نبوده. رضازاده اگر مدال گرفته با استفاده از توان شخصی‌اش این کار را کرده است.

من و حسین هیچ وقت این موفقیت‌ها را به نام خودمان تمام نمی‌کنیم. موفقیت‌ها مال جامعه وزنه‌برداری است. درست است که کار در تیم ملی تمام می‌شود اما خیلی از دوستان در شهرستان‌ها زحمت می‌کشند که واقعا باید حمایت بشوند. ولی دوستانی که منتقد هستند ذره‌ای فکر کنند مربی‌ای که مدعی است ۴۰ سال در تیم ملی بوده چرا قبل از این شاگردانش قهرمان دنیا نشدند. بله خروجی خوبی داشته که این وزنه‌برداران را بیرون داده اما چرا قهرمان نشدند. اینها نشان‌دهنده اهمیت کارهایی است که در تیم ملی انجام می‌شود. نمی‌گویم اینها کارکوروش باقری است. اگر چهار روز دیگر هم باقری بیرون کار کند و چند شاگرد پرورش بدهد از آن به بعدش این وظیفه کادر تیم ملی است که بتواند از آنها یک قهرمان بسازد. خیلی از دوستان هستند و زحمت می‌کشند و در سال نزدیک ۱۵تا وزنه‌بردار در حد قهرمان کشور از باشگاهش بیرون می‌آیند. این جای تقدیر دارد. ولی بی‌تعارف باید بگوییم اگر ۵۰۰ تا از این وزنه‌بردارها داشته باشیم قهرمان جهان شدن یکی از این وزنه‌بردارها کاری فراتر است. این است که به نظر من باید واقع‌بین باشیم و حسادت‌ها را کنار بگذاریم. قرار نیست کوروش باقری هم تا آخر سرمربی تیم ملی وزنه‌برداری ایران باشد. حقیقت را بگویم من واقعا دنبال این نبودم که بعد از المپیک ادامه بدهم. خدا کمک کرد تیم موفق شد. ضمن اینکه رضازاده هم به شکلی جلو آمد که من دیگر حرفی برای گفتن نداشتم. هر وقت هم احساس کنم کس دیگری بهتر از من کار می‌کند و حسین هم بگوید برو، می‌روم. کسانی هم که در کنارم دارند کار می‌کنند باید مورد تایید من باشند و برنامه‌های من را قبول دارند.

اتفاقا بعضی از انتقادها هم این است که می‌گویند چرا از همدوره‌ای‌های خودتان در کادرفنی تیم ملی استفاده نمی‌کنید؟

چرا یک جاهایی استفاده کردم. علی فلاحتی‌نژاد را در یک مقطعی آوردیم و واقعا زحمت کشید ولی خودش نماند. جواد خوشدل آمد اما او هم مشکل شخصی داشت و رفت. قرار شده اگر مشکلاتش حل شود دوباره برگردد. ممکن است بعضی‌ها نظرشان روی جورج باشد. ولی باید بگویم او خیلی کمکم کرده و موبه‌مو برنامه‌هایم را اجرا کرده. من این‌جور کسی را می‌خواهم. ضرب‌المثل دو پادشاه در یک اقلیم نمی‌گنجند در مورد ما صدق می‌کند. الان همه در وزنه‌برداری مدعی پادشاهی‌اند. خب اینها همه فرصت داشتند و بودند. ان‌شاءالله وقت هست بعد از این هم خواهند بود. بعضی از دوستان یادشان رفته اگر تیم در المپیک نتیجه نمی‌گرفت صداوسیما اصلا اینها را نمی‌شناخت که بخواهد به تلویزیون دعوت‌شان کند. باید افتخار کنند که وزنه‌برداری دوباره مطرح شده. ولی متاسفانه جور دیگری نگاه‌می‌کنند.

چرا در المپیک نتوانستید بیشتر مدال بگیرید؟

من اعتقاد دارم ما در المپیک می‌توانستیم شش مدال طلا بگیریم ولی به هر حال خواست خدا بود. به جز یک نفر که شانس مدال برایشان قایل بودیم. کیانوش و سهراب روحیه‌شان را باختند. طبیعی بود سن‌شان کم بود و تجربه مسابقه‌برون‌مرزی نداشتند.

محمد بنا، یک بودجه میلیاردی برای المپیک بعدی برآورده کرده شما چنین درخواستی ندارید؟

نه، من اعتقاد دارم مسایل مالی را باید مدیریت فدراسیون دنبال کند.

همکاری‌تان با ولاسکو به کجا رسید؟

با توجه به اینکه من قبل از وزنه‌برداری در رشته والیبال فعال بودم پیشنهاد آقای ولاسکو را قبول کردم. دوست دارم که هر کمکی از دستم برمی‌آید برای تیم ملی والیبال انجام دهم. ایشان از من خواسته در تمرینات بدنسازی کمکش کنم که من هم قرار است دورادور بر تمرینات نظارت داشته باشم اما برادرم به عنوان مربی کار اصلی را انجام دهد.

جواب منتقد

خدا دوستم دارد

هر مربی روش خودش را دارد. من دوست ندارم به عقب برگردم. طبیعی است که من کار خیلی از مربیان را قبول ندارم. اگر سال ۲۰۰۷ باقری را برکنار کردند به دلیل این بود که من یک مربی معمولی بودم. منتها با توجه به اینکه مسایلی به وجود می‌آمد و می‌دیدم اشتباه است شرایط جور درنیامد و سنبه آنها پرزورتر بود و ادامه ندادم. تا اینکه حسین رضازاده آمد. چون خودش در آن گروه بود و می‌دانست شرایط به چه صورت است، آمد و تمام وظایف را به من داد و مرا هم متعهد کرد باید در برابر عدم گرفتن نتیجه پاسخگو باشم. شما ببینید فاصله بین کسی که مدال طلا می‌گیرد با کسی که ششم می‌شود شش، هفت‌کیلو بیشتر نیست. اینکه چطور این چندکیلو به وجود می‌آید در مورد وزنه‌برداری است که به موقع خوابیدند، غذا خوردند و ویتامین و مکمل‌های لازم را رعایت کردند. نظم تمرینی و مهم‌تر از همه تزریق تفکر حرفه‌ای به این بچه‌ها باعث شده که اینها اول شوند. در حالی که تا سه سال پیش هفتم می‌شدند. اینها خیلی کار سختی نیست که ما انجام داده باشیم. من مثال بهداد سلیمی را می‌زنم. او از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ بیشتر از ۳۵کیلو افزایش رکورد داشت. ولی شاخص‌های قدرتش را که می‌بینی هیچ تغییری با سال‌های قبلش نکرده. پس چه چیز باعث شد کسی قدرتش اصلا افزایش پیدا نکرده، رکوردهای یکضرب و دوضربش افزایش پیدا می‌کند؟ چند تا مولفه باعث این عامل شده. اول از همه طرز فکر بهداد و سایر ملی‌پوشان عوض شده. دوم ایرادهای ریز تکنیکی‌شان برطرف شده؛ ایرادهایی که می‌توانست در رکوردهایشان تاثیر بگذارد. ما آمدیم اینها را روی هم گذاشتیم که مثلا سلیمی از نفر هشتم دنیا نفر اول شد. من یادم هست سعید محمدپور در بین اینها کم‌سن‌وسال‌ترین بود. آن موقع که من آمدم رکوردهایش تقریبا ۲۰۰کیلو بود که بالا پایین می‌شد. فاصله ۲۰۰کیلو تا نفر سوم دنیا شدن خیلی زیاد است. اگر در رده‌بندی جهان ببینید کسی که این وزنه را بزند نفر ۱۸ دنیاست. او می‌گفت آقا کوروش من فکر می‌کردم می‌خواهم مولفه تفکر درست را باز کنم. فکر می‌کردم دارم خیلی وزنه می‌زنم. کسانی هم که آنجا بودند طوری با من برخورد می‌کردند که انگار دارم خیلی وزنه می‌زنم یا کار خیلی بزرگی انجام می‌دهم. سعید به من گفت وقتی شما آمدید آنقدر وزنه ۲۰۰کیلو را جلو چشمم بی‌ارزش کردید که خودم خجالت می‌کشیدم و می‌گفتم باید یک رکورد بالاتر بزنم که به چشم بیاید. اینها کارهایی است که به تفکر یک مربی برمی‌گردد که من کاری به درست و غلطش ندارم. اما نتایج نشان می‌دهد حداقل درست‌تر از بقیه کار کردم. به هر حال چه بخواهیم چه نخواهیم فدراسیون رضازاده با سرمربیگری کوروش باقری موفق‌ترین تیم‌های ملی وزنه‌برداری تاریخ ایران بودند. من از رسیدن به این موفقیت‌ها مغرور نمی‌شوم. ممکن است فردا خدای نکرده این مسایلی که من با افتخار از آنها حرف می‌زنم برعکس شود. اما چیزی که مسلم است وظیفه‌ام را خوب انجام دادم. همان سال ۲۰۰۷ که رفتم خیلی ناراحت شدم اما بعدش فهمیدم که چقدر خدا دوستم داشت و رفتم تا آلوده آن مسایل نشوم.

نگاه

حذف سرمایه‌های ورزش

بیژن خراسانی
کارشناس ورزش

مدت‌هاست این سوال در ذهن این حقیر و بسیاری جای گرفته که واقعا سرمایه‌های اصلی ورزش ما چیست ورزشکار یا مربی؟ در ذهن شما عزیزان هم حتما بحث‌های فراوانی در این موارد است اما بررسی کنیم پس به ترتیب آغاز کنیم.

۱- ورزشکار: فردی است که اکثرا بدون شناسایی دقیق، نه براساس فیزیک و توانایی‌ها به رشته‌ای روی می‌آورد البته در این انتخاب علاقه جایگاه خاص خود را دارد ولی در علم نوین ورزش یک ورزشکار باید پس از طی مراحل استاندارد و پایه ورزش آموزش ببیند و سپس توسط کارشناسان به رشته‌هایی که با فیزیک و وضعیت آن ورزشکار کاملا سازگار است معرفی شود. در کشور ما اگرچه بحث‌های فراوانی برای شناسایی استعدادها صورت گرفته ولی هنوز دریافتی صورت نگرفته و فقط در مکان‌های ورزشی که در آن رشته‌های ورزشی مختلفی فعالیت دارند هرازچندگاهی استعدادی توسط مربیان شناخته می‌شود.

۲- مربی: پس با اجازه بپردازیم به بند ۲ یعنی افرادی که بر حسب سابقه و عشق در طول سال‌ها موفق شده‌اند که افراد بسیاری را در رشته‌های مختلف به جایگاه‌های رفیع برسانند، ولی به واقع با بررسی کوچکی درمی‌یابیم که نتوانستیم بسیاری از آنان را حفظ کنیم. در دسته اول متاسفانه بسیاری از ورزشکاران پس از مصدومیت‌هایی که در ورزش قهرمانی وجود دارد از مسابقات دور می‌شوند و بعد از آن هم کمتر به‌فکر آنان هستیم. اما در بخش مربیان با نگاهی به عملکرد بعضی‌ها در همین زمان‌های نزدیک ببینیم چه کرده‌ایم. برای مثال دو نفر در وزنه‌برداری و کشتی‌فرنگی را بررسی می‌کنیم.

الف: محمد بنا، متولد ۱۳۳۷ و دارنده مدالی بسیار با اهمیت در کشتی‌فرنگی، پس از پیروزی انقلاب‌اسلامی نامبرده در دو مقطع، هدایت بازیکنان ملی‌پوش را به‌عهده گرفت. در مقطع نخست پس از پیروزی‌های درخشان در مقاطع جهانی

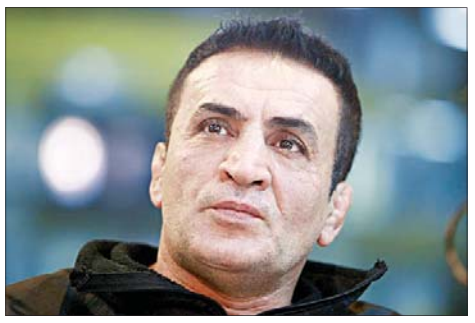

و آسیایی به دلایلی واهی از هدایت تیم ملی کنار گذاشته شد و مجددا پس از شکست‌هایی او را بازگردانده و تمرینات تیم ملی زیر نظر او و همکارانش ادامه پیدا کردتا نهایتا با درخشش بی‌نظیر در المپیک۲۰۱۲ لندن یک‌بار دیگر دانش خود را به اثبات رسانده و از آن تاریخ به بعد متاسفانه بدون در نظر گرفتن بسیاری از مسایل او بار دیگر هدایت تیم ملی را رها کرده و آنان را به‌حال خود گذاشته است.

ب: اما مربی دیگر کوروش باقری قهرمان با لیاقت جهان که پس از مسایلی بسیار دردناک در رشته وزنه‌برداری برای هدایت تیم ملی به‌کار گرفته شد و با تغییرات اساسی در تمرینات، آغازی درخشان در مقاطع جوانان و سپس بزرگسالان به وجود آورده و این امید را در ورزش کشور ایجاد کرد که وزنه‌برداری می‌تواند در لندن کارنامه درخشانی از خود به‌جای بگذارد و دست آخر اینکه پس از کسب مدال‌ها و جایگاه بسیار درخشان در المپیک۲۰۱۲ زمزمه‌های جدایی او از وزنه‌برداری و پیوستن او به رشته ورزشی دیگر به گوش شنیده شد و حال این مثال در ورزش به گوش می‌رسد که متاسفانه جامعه ورزش ما حرکت قطار را به هیچ‌وجه نمی‌پسندد و برای کنار گذاشتن این سرمایه‌های وطنی دست به ایجاد مسایل و حاشیه‌هایی می‌زند که در هیچ‌کجا دیده نشده است.

این سوال در ذهن همگان به‌وجود می‌آید، چرا نمی‌توانیم چنین کسانی را در ورزش کشور حفظ کرده و از پتانسیل آنان بهره‌مندشویم. چرا به‌راحتی از کنار آنان گذشته‌ایم و فکر می‌کنیم با کنار گذاشتن آنان خود را مطرح کنیم؟ و ابدا فکر نمی‌کنیم که با از دست دادن این نیروهای کارآمد نمی‌توانیم از تفکر و دانش آنان در بهبود جایگاه ورزش کشورمان بهره‌مندشویم.

حاشیه

آسیب دیدگی خطر همیشگی

یکی از مشکلات همیشگی قهرمانان وزنه‌برداری ایران، مصدومیت‌های آنهاست. بهداد سلیمی پس از المپیک نتوانست به تمرینات خود ادامه دهد و پس از تزریقی که در کتف او صورت گرفت می‌تواند از دو، سه هفته دیگر تمرینات خود را شروع کند. کیانوش رستمی دارنده مدال برنز المپیک لندن دیگر ستاره مصدوم وزنه‌برداری ایران است. او عنوان کرده شاید این آسیب دیدگی موجب شود که قید حضور در رقابت‌های وزنه‌برداری را بزند: «مصدومیت زانویم همانند گذشته است و هیچ تغییری نکرده، البته در ایران می‌گویند که عمل جراحی احتیاجی نیست. از سوی دیگر با این وضعیت اقتصادی نیز نمی‌توانیم به خارج از کشور برویم تا یک پزشک آن را معاینه کند، بنابراین حضورم در اردوی تیم‌ملی بستگی به نظر و صلاح آقای باقری دارد.» تمرینات سنگینی که این وزنه‌برداران انجام می‌دهند باعث می‌شود همواره با خطر آسیب دیدگی روبه‌رو باشند. البته کیانوش بیشتر از عدم توجه مسوولان ورزش استان کرمانشاه گلایه دارد. با این وضعیت ناآماده‌ای که این ملی‌پوشان دارند بعید است که تیم‌ملی وزنه‌برداری بتواند در مسابقات جهانی ۲۰۱۳ با همان شرایط مطلوب المپیک ۲۰۱۲ شرکت کند.